نظام حقوقی و سیاسی در افغانستان جدید

غلام حیدر علاءالدین

چکیده:
قانون اساسی هر کشور به عنوان مهمترین قانون، نظام حقوقی را در آن کشور پیش بینی و پی ریزی می کند. این اگر در افغانستان پس از پایان جنگ‌های داخلی قانون اساسی جدید تصویب شده است، این مقاله نظام حقوقی در افغانستان جدید، را در پروپوزال آن‌السی مزبور، مورد بحث و بررسی قرار داده است. قانون اساسی جدید، متأمین این قانون، نوع نظام حاکم می‌باشد و این موضوع، زبان‌هایی رسمی و رایج، حقوق و وظایف ملت، اختیارات قوه مجری، مقامات قضاایی و شیوه نظام قانون اساسی را بیان کرده است.

مطالعه این مقاله به طور خاص برای جامعه حقوقی ایران و به طور عمومی برای مردم ایران جهت آشنا‌بودن با نظام حقوقی در افغانستان کنونی - کشور همسایگان هم دین و هم فرهنگ با جامعه ایرانی - مفید و راهکاری می‌باشد. علاوه بر این از انجام مهاجرت افغان‌هایی در ایران به سر می‌برند، انتشار مقاله حاضر در این فصلنامه برای آن‌ها نیز خوش‌اندیشی خواهد بود.

فهرست مطالب:
1- منابع قانون اساسی افغانستان
الف- دین مقدس اسلام
ب- دموکراسی
ج- حقوق بشر
2- نوع نظام
1- نوع نظام از جنبه اعتقادات دینی
2- نوع نظام از جنبه تفکیک قوا
3- حاکمیت ملی
4- زبان‌های رسمی و رایج
5- حقوق ملت

1- دانشجوی دکتری حقوق کیفری-دانشگاه شهید بهشتی
نشريه حقوق اساسی، سال دوم، شماره سوم، زمستان 1383

۶- وظایف ملت
۷- قوه مجرهی

۱- شرایط رییس جمهور
۲- مسئولیت جزایی رییس جمهور
۳- شرایط وزرا

۴- مسئولیت سیاسی و جزایی وزرا

۸- قوه مقتنه

۱- شورای ملی

۸-۱-۱ شرایط اعضای

۲- صلاحیت‌ها

۳- مصونیت سیاسی نماینده‌گان
۴- مسئولیت جزایی نماینده‌گان
۵- مصونیت شورای ملی

۶- علی‌نامه و پرونده جلسات شورای ملی

۷- روش تصویب قوانین در شورای ملی

۸- جلسات شورای ملی

۹- روش حل اختلاف بین دو مجلس

۱۰- ولی عصر جرگه (مجلس مردم)

۱۱- مشترکان جرگه (مجلس برگزار)

۱۲- لویه جرگه (مجلس موسومان)

۹- قوه قضاییه

۹-۱ صلاحیت قوه قضاییه

۹-۲ محاکمه قوه قضاییه

۱-۲-۱ ستره محکمه (دیوان عالی کشور)

الف: اعضاء و مدت خدمت آنها
ب: شرایط اعضای
ج: مسئولیت جزایی اعضای
د: صلاحیت ستره محکمه
قانون اساسی افغانستان

قانون اساسی افغانستان بر اساس موافقتنامه بن تدوین گردیده است که با حضور احزاب افغانستانی (احزاب مجازی و مبتنی بر حریم نماینده) و گروه‌سازی و همچنین نمایندگان گروه فیسبوک و بخشی نمایندگان مستقل، با نظارت سازمان ملل و جامعه جهانی در زمان سال 1380 در شهر «بن» ایران انعقاد گردید.

در این موافقتنامه باشی به همکاری بوده که اداره انتقالی موظف است کمیسیونی را جهت تهیه پیش نویس این قانون تدارک بپیشند.

سراج دان در تاریخ 13 میان (مهر ماه) سال 1381 کمیسیون تسویه (تدوین پیش نویس) قانون اساسی مربوط از 9 نفر با فرمان جامعه کزی، رهبر اداره انتقالی آغاز به کار کرد. اعضای کمیسیون تدوین، پیش نویس متنی را آماده کرده و آن را برای مورد مجدد در اختیار گروه‌های سیاسی‌های کمیسیون تدوین قانون اساسی گذاشتند.

در تاریخ 12 ماه‌و‌بک (آبان) 1382 متن کامل مسوده قانون اساسی برای آگاهی عموم مردم منتشر شد. در 14 جمعه‌ای تاریخ، یعنی در 14 جمعه‌ی سال 1382 متن نهایی قانون اساسی در لوحی جرگه تاریخی مورد به توجه نمایندگان مردم افغانستان تصویب گردید. بالاخره در 6 دو 1382 جامعه کزی ریس دولت انتقالی اسلامی، قانون اساسی افغانستان را توشیح (تابیه) نمود و انتقال (اجرایی) آن را اعلام داشت. در اواخر برج دلو، متن قانون باد شده در شبه‌جهانی اینترنت در اختیار عموم گذاشته شد. قانون موزیور دارای 12 فصل و 162 ماده می‌باشد.
در نوشته حاضر بر نظام حقوقی افغانستان که در قانون اساسی یاد شده پایه و ریزی گردیده است، موری مگر گذر از این داستان امید است، نوشته حاضر در شناسایی نظام حقوقی این کشور موثور و مفید باشد.

۱- منابع قانون اساسی افغانستان

با مرور بر قوانین اساسی کشورهای جهان به خوبی می‌توان بی بر که قانون مورد مطالعه در تدوین خویش از چه اندیشه‌ها یا اهدافی گرفته و به عبارت دیگر تبعیت از چه آرمانها و اعتماد‌ها و ارزش‌ها یا لازم شمرده است.

با توجه به این امر و با دقت در قانون اساسی افغانستان امروز ذیل را می‌توان به عنوان منابع این قانون برشمرد:

الف- دین مقدس اسلام

مقدمه قانون اساسی با این عبارت آغاز شده است:

با یثنیان راسخ به ذات باک خدواند (ع) و تواکل بر مشیت حق تعالی و اعتقاد به دین مقدس اسلام... این قانون اساسی را... تصویب کرده‌ایم.

جمله فوق نشانگر آن است که قانون اساسی مزبور با در نظر داشتن چنین اعتقادی به تصویب رسیده و در مواد آن از این اعتقاد الهام گرفته شده است. در ماده سوم تصویب شده است که در افغانستان هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معنی‌داری و احکام دینی مقدس اسلام باشد.

ب: دموکراسی

در مقدمه قانون اساسی چنین آمده است: به منظور تایید نظام ملکی بر ارادة مردم و دموکراسی... این قانون اساسی را... تصویب کرده‌ایم. در ماده ششم، دوبلت به تحقق دموکراسی... منکف گردیده است.

ج: حقوق بشر

جمعه جهانى پس از یک ست سر گذاشتن جنگ دهه‌ها که دوم جهانی به این تجربه رسید که برای جلوگیری از جنگ‌های خونین دیگر در آینده و استقرار صلح در جهان، ناگیر از پذیرش این امر است که انسان به اعتبار انسان بودن از حقوقی برخوردار باشد و حقوق مزبور برای تمامی این بشر قطع نظر از تفاوت‌های نژادی، قومی، زبانی، دینی و مذهبی به رسیدت شناخته شود.

به منظور رسیدن به هدف فوق اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی تصویب گردید. در سال ۱۹۷۶ میلادی به این اعلامیه جنبه الزام‌آوری به شدت و مفاد آن تحت
عنوان مناطق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و فرهنگی، به عنوان دو موفقیت نامه از سوی دولت‌ها به توصیف رسید. آن‌ها در عرصه بین المللی از اعلامیه و دو میثاق مزبور به عنوان منشور حقوق بشر یاد می‌شود. کشور افغانستان هم اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب نموده و هم عضو دو میثاق بین المللی یاد شده، بوده است.

با توجه به مطالب فوق، قانون‌گذار افغانستان در تدوین قانون اساسی جدید از اندیشه‌های حقوق بشری به‌جهت تحقق و تبیین این حقوق را از جمله اهداف خویش برخوردار است. در مقدمه قانون اساسی مورد بحث امده است: «با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر و به منظور ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانون‌مندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تامین آزادیها و حقوق اساسی مردم... این قانون اساسی را... تصویب کرده‌ایم.»

از دیدگاه تدوین کنندگان قانون اساسی، حقوق بشر از آن اندیشه از اهمیت برخوردار بوده است که تبیین آن از مقره‌های انسان مورد بررسی قرار گرفته و مورد توجه قرار گرفته است. در جای مکرر تصویب شده است که دولت اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق بشر یاد شده در افغانستان به آنها ملحق شده است. در رعایت می‌کند. بدین‌گونه است که در میثاق بین المللی یاد شده از جمله میثاق‌های م小学生 که دولت افغانستان بدین‌گونه محقق شده است. علرژه بر تصاویر بخش فوق، فصل طولانی در این قانون به حقوق اساسی اتباع اختصاص داده شده که در آن یک‌پارچه موضوعات اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان حقوق اساسی اتباع افغانستان به رسیدن شناخته شده است. (فصل دوم) از مطالب فوق می‌توان به نتیجه گرفت که دین مقدس اسلام، اندیشه‌ها در مورد حقوق بشر و حقوق اساسی افغانستان می‌باشد و قانون مزبور با الهام از ارزش‌های فوق تدوین شده است.

نتایج انسانی اهمیت در این قسمت این است که از دید تدوین کنندگان قانون اساسی، اسلام با دموکراسی و حقوق بشر سازگاری و هماهنگی دارد و گرنه مخالف تبوده که از آنها در کنار هم، چه در مقدمه و چه در موارد، یاد شود.

3- لوین (الیا)، پرستش و یادبود در باره حقوق بشر، ترجمه محمد جعفر پویه‌نده، نهزان، نشر قطب، 1377.
4- صص 196 و 197.
1- نوع نظام

یکی از مطالب مهم در قانون اساسی تشریح نوع نظام حقوقی - سیاسی حاکم بر کشور مربوطه است. راجع به قانون اساسی افغانستان، نوع نظام حقوقی این کشور را از سه جنبه می‌توان بررسی نمود:

1-1 نوع نظام از جنبه اعترافات دینی

دولت افغانستان دولت جمهوری اسلامی است. به این معنی که نظام دولتی از یک دین جمهوری و بر طبق آرای مردم و مبنی بر دموکراسی و مردم سالاری است و از سوی دیگر هیچ قانونی نمی‌تواند مخالفت با احکام دین مقدس اسلام باشد. دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. البته بیروان سایر ادیان در پیرولی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند.

یکی از دستاوردهای مهم قانون اساسی جدید افغانستان برای مردم این کشور، تأکید بر دین مقدس اسلام به عنوان دین رسمی کشور است و لذا مانند برخی از قوانین اساسی در گذشته، در کنار دین رسمی بر مذهب خاصی تأکید نشده است. بنابراین 99٪ جمعیت مسلمان کشور حوزه را مشمول و مذهبی این قانون اساسی می‌دانند و این گونه نیست که مانند گذشته، پبخنی از جمعیت کشور که متعلق به مذهب خاصی است، از سوی قانون مزبور به رسمیت شناخته نشده باشد.

ویژگی دیگر قانون اساسی جدید این است که در جای خود، احکام کلیه مذاهب اسلامی موجود در افغانستان را به رسمیت شناخته است. ماده یکصد و سی‌مین در این خصوص چنین مقرر می‌دارد:

4- ماده اول
5- ماده سوم
6- ماده دوم
7- به عنوان نمونه بنگردید به ماده دوم قانون اساسی ۱۳۴۳ که مقرر می‌داشت: «دین افغانستان دین مقدس اسلام است. شعار دینی از طرف دولت مطابق به احکام مذهب حقیقی اجرای مورد می‌باشد. به نقل از منابع کلیه قوانین اساسی افغانستان، قرآن و همچنین سرور داشی، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، چاپ اول، ۱۳۷۴، قصیده ۱۲۴.»
محکم در قضاوتی مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می‌کند. هرگاه برای قضایایی از قضاوتی مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محکم به پیروی از احکام قبیله‌ای و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می‌نماید که عدلتن را به بهترین وجه تامین نماید.

نکته مهم در این ماده قانونی این است که دعوای صورت عادلانه حل و فصل شود. نتیجه این خواهد بود که در موارد فقدان حکم قانونی، محکم ملزم به پیروی از دادشتیهای از احکام فقیه عدلتن است که موافق بآی عدلتن باشد. مفهوم مخالف قید تامین عدلتن در این ماده آن است که محکم در حل و فصل دعوا به نظریاتی با دادشتیهای غیر عدلتن از احکام فقیه هنوز ترتیب اثر نخواهد داد.

ماده یکصد و سوم و یکم می‌گوید:

"محکم برای اهل تشیع، در قضاوتی مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می‌نماید. در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می‌نماید." 

ماه فوق دو مفهوم را بیان می‌کند:

اول: این ماده از اصل حقوقی معروف تعبیه و احوال شخصیه افراد از مذهب آنها: پیروی کرده است و محکم را ملزم نموده است تا در رسیدگی به مسائل مربوط به احوال شخصیه شیعین، قضیه را مطابق به مذهب اهل تشیع حل و فصل نماید. در این باره نکته شیعان می‌کنند این است که علاوه بر اکثریت شیعان افغانستان، که شیعه اثنی عشری یا جغرافی می‌باشند، اقلیتی از شیعان اعتقاد به مذهب شیعه اسلامی (اسلامیه) هستند. کلیه داهل تشیع در ماده فوق شامل هر دو دسته از شیعان می‌شود. بنابراین واز دو فوق در این ماده از قانون اساسی محکم را موظف می‌سازد که نسبت به شیعین اسلامی، قضاوتی راجع به احوال شخصیه آنان را مطابق به مذهب اسلامی حل و فصل نماید.

دوم: به مانند ماده یکصد و سوم، این ماده نیز تاکید می‌کند که در صورتی محکم قضیه را مطابق به احکام مذهب تشیع حل و فصل می‌نماید که در قانون اساسی و قوانین عادی حکمی در آن مورد نباشد. پس مفهوم مواد یکصد و سوم این است که برای حفظ نظام عمومی در تمامی موارد، نسبت به اهل تشیع اصل بر رعایت جنبه قانونی بودن است. قانون
لازم‌الرعايه است و هر گاه در موضوع‌ي قانون موجود نباید، نویت به پیروي از احكام فقهی مرسد.

۲- نوع نظام از جنبه تفکیک قوا
قانون اساسي جديد نوع نظام از نظر تفکیک قوا و ارتباط قواي صلحی به سه گانه با يکدیگر را نظار
نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی و نیمه بینی کرده است. بدین ترتیب که صلاحیت‌های تصمیم‌گیری
مربوط به امور مهم کشور برخی به ریس جمهور، برخی به قوه قضاییه و برخی هم به طور
مشترک به هر دو واگذار گردیده است.

در این قسمت این صلاحیت‌ها، به طور خلاصه در سه دسته ذیل بررسی می‌گردد:

الف: صلاحیت‌های اختصاصی ریس جمهور

در همه کشورهای جمهوری، ریاست جمهور به طور طبیعی با توجه به مقام خود از
مجموعه‌ای از اختیارات رسمی و تشریفاتی برخوردار است. این گونه اختیارات ریس جمهور
در قانون اساسی افغانستان نیز مورد بحث واقع شده است. به منظور خودداری از اطلاع بحث
به ذکر صلاحیت‌های انحصاری ریس جمهور در سیدی‌گی به امور مهم کشور اکثراً می‌کنیم:

۱- مراقبت از اجراي قانون اساسی
۲- قیادت اعلای قواي مسلح افغانستان
۳- اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت اراضی و حفظ استقلال.
۴- داور نمودن لوبه چرخه به استثنای حالات مدرج در ماده شصت و نهم این قانون

اساسی.

ماده فوق در نخست مسئولیت سیاسي و جرایي ریس جمهور توصیف داده خواهد شد.

۵- تعیین، تفاقم (دستور پارالمانی) و پیروی اعمال و عزل قضاط، صاحب منصبان
قوای مسلح، پلیس و امکان ملی و ماموریت علیه ریس مطابق به احكام قانون.

۶- تخفیف و عفر مجازات مطابق با احكام قانون.

۷- حق مراجعه به آرای عمومی مردم افغانستان در موضوعات مهم ملی، سیاسی،
اجتماعی و یا اقتصادی.

۸- این واقع به منعی فرمان‌دهی عالی است. - برای آتش‌بی‌با و انگیزه‌ی رژیم‌های ریاستی و پارلمانی

بنگردید به قاضی (دکتر ایوبخان) با پیش‌های حقوقی‌ساسی، نشر بلدا، نهران، ۱۳۸۳، صص ۱۶۸-۱۷۴ین مجدین رک. ماده ۱۴ قانون اساسی افغانستان.
ب- صالحیت‌های اختصاصی قوّه مقتّه

بدلیل است که قوّه مقتّه از صالحیت‌های برخوردار است که جنبه تفکیک دارند. این مسائل در قسمت مربوط به قوّه مقتّه بررسی خواهد شد. مطلب مورد نظر صالحیت‌های قوّه مقتّه به لحاظ سیاسی و کنترل و نظارت بر قوّه مجزیه است، چنان‌که نهایی حکومت پارلمان نیز در اداره سیاسی کشور سهیم است.

قانون اساسی جدید صالحیت‌های اختصاصی ذیل را به قوّه مقتّه اعطا نموده است:

۱- استیضاح وزرا ولی جرج (مجلس مردم) به پیشنهاد بیست درصد كل اعضا می‌تواند از هر یک از وزرا استیضاح به عمل آورد. هر گاه توضیح ارائه شده قانع کننده نباشد، ولی جرج موضوع را عدم استفاده از بررسی می‌کند. رای عدم استفاده از وزیر باید صریح، مستقیم و براساس دلایل موجه باشد. این رای به اکثریت آرای کل اعضای ولی جرج صادق می‌گردد (ماده نود و دو)

۲- سوال از وزرا هر یک از از کمیسیون‌های در مجلس شورای ملی می‌تواند از هر یک از وزرا در موضوعات معین سوال نماید. شخصی که از او سوال به عمل آمده، می‌تواند پاسخ خود را به صورت شفاهی یا کتبی ارائه بدهد.

۳- انتخاب تصمیم راجع به برنامه‌های انکشافی و بودجه دولتی

۴- نایب‌با رت مقررها (برداختها) مطابق با احکام این قانون اساسی (ماده نود و یک)

۵- تشکیل کمیسیون تحقیقی راجع به اعمال حکومت ولی جرج صالحیت دارد به پیشنهاد یک نفر اعضای جدید بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید (ماده نود)

ج- صالحیت‌های مشترک ریس جمهور و قوّه مقتّه

قانون اساسی صالحیت‌های ذیل را به طور مشترک به عهده ریس جمهور و تصویب شورای ملی گذاشته است:

۱- تعیین خطوط اساسی سیاست کشور

۲- اعلام جنگ (جنگ) و مبارزه

۱۰- برنامه‌های برای توسعه کشور
تشريیح حقوق اساسی، سال دوم، شماره سوم، زمستان 1383

۲- فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان
۴- اعلام حالات اضطرار و خانمه دادن به آن
۵- تبعیض وزراً لوا خارنواال (دادرستان)، رعای بانک مرکزی، رعای امنیت ملی و رعای
سره میانش (کمیته هلال احمر)
۶- تبعیض رعای و اعضای سرود مشکه (دیوان عالی کشور)

۲-۳- نوع نظام اجتهاد اداری

امروزه در کشورهای جهان دو نظام اداری متمرکز و غیر متمرکز در جامعه حاکم

است.

تدوین کننده قانون اساسی جدید به توجه به بیاناتی موجود در افغانستان ایجاد
تمركز در کشور را نیاز میرم دانسته و برای اداره کشور نظام متمرکز را انتخاب نمودیم.
داره جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداری مرکزی و ادارات محلی، طبق
قانون، تنظیم می‌گردد. (ماده یکصد و سی و پنچر). حکومت با حفظ اصل مکریت به
منظور سرعت و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم کردن هر چه بیشتر
مردم در انتخابات (توسعه) و حیات ملی، صلاحیتهای لازم را مطابق به احكام قانون به
اداره محلی تفویض می‌نماید. (ماده یکصد و سی و یک)

در کنار واحدهای اداره مرکزی، در سراسر افغانستان تاسیس شهرهای دیل نیز در
قانون اساسی پیش نیز گردیده است.
الف- شهرهای ولایتی (استان)
ب- شهرهای ولسوالی (شهرستان)
ج- شهرهای قریه‌ها (روستاهای)

۲-۳- حاکمیت ملی

حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نماینده‌گان
خود آن را اعمال می‌کند. (ماده چهار)
4- زیانهای رسومی و رایج

زیانهای پشتو و دری زیانهای رسومی افغانستان هستند. در کنار این دو، دیگر زیانهای رایج به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی عبارتند از: ازیکی، ترکمنی، بلوچی، پشای، نورستانی، پامیری و سایر زیانهای رایج در کشور (ماده ۱۶).

بدین ترتیب تمامی زیانهای رایج در افغانستان از سوی قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند. علاوه بر این دستاورد جدیدی که در قانون اساسی حاضر بر آن تاکید شده است و در قوانین اساسی قبلی مشاهده نمی‌شده، موضوع رسمی بودن زبان سوم در مناطق مورد تکلم است. در این باره ماده شانزدهم چنین مقرر می‌دارد:

"در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبانهای ازیکی، ترکمنی، پشای، نورستانی، بلوچی و پامیری تکلم می‌نمایند، آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان رسومی می‌باشد؛ در همین ماده به منظور حمایت از زبانهای رایج در افغانستان تاکید شده است که دولت برای تقویت و توسعه همه زبانهای افغانستان برنامه‌های موتر طرح و اجرا می‌نماید. نظر مطبوعات و رسانه‌های گروهی به تمام زبانهای رایج در کشور آزاد می‌باشد. حمایت‌های ذکر شده از زبانهای رایج، دستاورد مهم قانون اساسی جدید در جهت رعایت حقوق اقلیتی‌ها به شمار می‌رود.

5- حقوق ملت

یکی از نکات بسیار بارز و برجسته در قانون اساسی جدید به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های مردم افغانستان است. تماشای و برجستگی آن از این جهت است که فرهنست این حقوق و آزادی‌ها هم‌اکنون با استادی بین‌المللی حقوق بشر است و مفصل‌تر از قوانین اساسی پیشین به این موضوع بردایش است. حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این قانون اساسی را در عناوین ذیل می‌توان خلاصه نمود:

1- منع تبعیض و استیضاح بین اتباع افغانستان از جمله منع تبعیض جنسی سیان زن و مرد
2- حق حیات
3- حق آزادی
4- حق کرامت انسانی
5- برازند ذمی
6- شخصی بودن جرم
7- اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها
8- منع عطف به ماسیقی شدن قوانین
9- منع استرداد افراد به دولت خارجی مگر بر اساس معامله به مثل و پیمانهای بین الحلفی که افغانستان به آن پیوسته باشد.
10- منع تعذیب (شکنجه)
11- منع سلب تابعیت
12- منع تبعید
13- منع مجازات مخالف کرامت انسانی
14- بی اعتبار بودن اقرار و شهادت از روی اکراه
15- حق برخورداری از وکیل در دعاوی
16- منع سلب آزادی به دلیل مديون بودن
17- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن (حق شرکت در انتخابات)
18- آزادی بیان
19- آزادی مطبوعات
20- حق تاسیس جمیعت (انجمن و اتحادیه)
21- آزادی احراز سیاسی
22- حق برگزاری اجتماعات و نشسته‌های معنادار
23- آزادی و حریریت مراشا و مخابرات از سوی اشخاص
24- منع تعرض به مسکن شخص (منع ورود به منزل)
25- آزادی رفت و آمد در داخل و خارج افغانستان
26- احترام به مالکیت و منع تعرض به آن
27- حق برخورداری از تعلیم و رایگان بودن آن از سوی دولت
28- حق برخورداری از آموزش زبان مادری
29- آزادی تعیینات دینی متعلق به تمامی مذاهب اسلامی موجود در افغانستان
30- حق تاسیس مؤسسات تعليمات عالی، عمومی و اختصاصی و سواد آموزی از سوی افراد
31- احترام به حقوق مالکیت معنی‌گون
۶- وظایف ملت
همانطور که ذکر شد فصل دوم قانون اساسی جدید از یک سو حقوق ملت را بیان کرده است و از سوی دیگر وظایف ملت را تحت عنوان واجب اتباع نام برده است.
براساس مواد مربوط به این فصل از موارد ذیل به عنوان واجب یا وظایف اتباع افغانستان نام برده شده است:

۱- پرداخت مالیه و محصول به دولت به حکم قانون و رعایت عدالت اجتماعی (سازمان که چهل و دو)

نکته قابل تذكر این است که در ماده مزبور این وجه مفيد به دو قيد است بكي حکم قانون و دیگری عادله به ویا این دستور قانونی. مفهوم میلایه این دو قيد آن است که وضع مالیانهای غیر قانونی و یا توام با تبعیض و بدون رعایت عدالت اجتماعی از سوى دولت ممنوع است.
(118)

نشری حقوق اساسی، سال دوم، شماره سوم، زمستان 1383

1- دفاع از وطن و کارآگاهان دوره مكلیت عملکردی (خدمت سربازی) (ماده پنجم و نهم)

3- پروپوزال از احكام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظام و امینت عمومی (ماده پنجم و ششم)

4- اطلاع یافتن از قوانین.

5- منع اقدامات ضد استقلال، تماس و ارتباط، حاکمیت و وحدت ملی (ماده پنجم و نهم).

لازم به ذکر است که در مورد اخیر کلمات حاکمیت و وحدت ملی کلی و مهم است. لذا امکان تفسیرهای فردی وجود دارد. در این رابطه این سوالها مطرح می‌گردد که آیا اعتراض به حاکمیت افغانستان و نقد اعمال حکومت، اقدام بر ضد حاکمیت تلقی نخواهد شد. در چنین فرضی‌ای باید بپرسیم: پس محدوده اعمال حق آزادی بیان در یکی از مواد قانون باید مالت به ویژه شناخته شده بود، تنها چکاست؟ همینطور منظور از وحدت ملی چیست؟ آیا اعتراضات علیه تبعیض‌ها قومی، نژادی، مذهبی و زبانی ممکن با وحدت ملی شناخته شده؟ چندین با نظر می‌رود که حقوق‌دانان کشور راجع به دانش این دو اصطلاح قلمفرسای کنند و اقدامات مشمول ضدیت با حاکمیت و وحدت ملت را مشخص کند تا با این به‌هم‌آوری حقوق و آزادی‌های ملت محدود نگردد.

7- قوه مgerebi

ماده هفتاد و یکم قانون اساسی جدید مقرر می‌دارد که حكومت مشکل است از وزرا که تخت ریاست رئیس جمهور اجرا وظیفه می‌نماید. با توجه به ماده فوق، قوه مgerebi افغانستان رکن از رئیس جمهور و وزرا است که رئیس جمهور قوه مgerebi دانسته شده است. به علت چلدرگیری از تعداد و براکنده‌گی در ریاست قوه مgerebi و حفظ تمرکز در آن بر خلاف قانون اساسی 1342 (1964میلادی) نشان صدراعظم (تخت وزیر) در این قانون اساسی بیشینه شده است. در اینجا سوالی که مطرح می‌گردد این است که آیا رئیس جمهور فقط رئیس قوه مgerebi است یا از اختیاراتی در وظایف دو قوه دیگر (مقتنه و قضاییه) هم برخوردار است. در پاسخ به این سوال باید گفت که منظور از ماده شصت قانون اساسی جدید که می‌گوید: رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت‌های خود را در عرصه‌های اجرایی، تغییر و مقاومت به احكام این قانون اساسی اعمال می‌کند، این است که رئیس جمهور علاوه بر صلاحیت‌های اجرایی، از صلاحیت‌های تفنینی و قضایی نیز
برخوردار است. اگون انتخاب که مواد قانونی اساسی جدید تا چه اندازه صلاحیت‌های تقاضایی و قضایی به ریس جمهور اختصاص دهی، بدون ترتیب اصل تفکیک قوا و عدم دخالت قوا سگهانه در وظایف یکدیگر از اصول مهم دموکراسی و م İsالی است. زیرا توزیع قدرت و تقسیم آن مانع انحصار قدرت در دست یک گروه می‌باشد. این امر به این نفیزه است که با رهبرانی که وانگکی روسو و ودرنکیو را با تفکیک قوا تایید کرده‌اند.

از بررسی بخش نوع نظام از جننی تفکیک قوا در نوشته حاضر مشخص می‌گردد که ریس جمهور در حیطه وظایف قوا ممکن است (قانون‌گذاری) دخالت نمی‌کند و در این زمینه هیچ صلاحیتی ندارد. فقط وی از این نظر وظیفه، تضمین اجرای قوانین را به عهده‌دار که توشیحه (تأیید) قوانین و مراقبت از اجرای قانون اساسی را به عنوان نمونه‌هايی از این امر می‌توان نام برد.

سوالی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که آیا توشیح قوانین از سوی ریس جمهور نوعی اختیار است یا وظیفه؟ و به عبارت دیگر اگر ریس جمهور به خلاف ارادة نماینده‌گان ملت، قانون را توشیح نکرده، آیا آن قانون در کشور لازم اجرا نمی‌گردد؟

ماه‌های بند و چهارم قانون اساسی در پاسخ به این پرسش مقرر می‌دارند: قانون عبارت است از مصوبه هر مجلس شورای ملی که به توشیح ریس جمهور رسیده باشد... در صورتی که ریس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقت نمی‌شود، باشد می‌تواند آنرا ترک پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دالیل به ولی قدره مسترد نماید. با سری شدن این مدت و یا در صورتی که ولی قدره آنها به دو ثالث آرا کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ می‌گردد.

از عبارات ماه‌های فوق به خوبی آشکار می‌گردد که قانون‌گذاری انحصاراً وظیفه شورای ملی (قوا ممکن است) و ریس جمهوری موظف به توشیح قوانین است و عدم توشیح وی، در صورت اصرار مجلس بر قانون مربوطه، هیچ تأییدی بر سرنوشت قانون نداد شده نخواهد داشت. لذا به نظر می‌رسد که عبارت ماه‌های شصت در نسبت دادن صلاحیت تقاضایی به ریس جمهور جمهور، دارای اشکال ک底线ی خود از عبارات قوا مملکت و صلاحیت‌های تاسیس‌کرده که قانون‌گذاری بر اساس این اشکالات ریس جمهور به قوه قضاوتی به ریس جمهور می‌دهد، قانون اساسی جدید صلاحیت‌های خاص و صلاحیت‌های مشترک (با قوه ممکن) در تعیین مدیریت قوه قضاوتی و نصب و عزل قضات و تقادم و قبول استعفای آنها را به ریس جمهور
اطلاع کرده است. ریس جمهور شخصاً از صلاحیت نصب و عزل قضات و تنظیم و تقدیم و قبول استعفای آنها برخوردار است و به تایید ولی جرگه می‌تواند ریس و اعضای سلسله محکمہ (دیوان عالی کشور) را تعیین نماید.

بتایبان از مجمع آنچه در این قسمت بیان شده این گونه می‌توان نتیجه گیری کرد که ریس جمهور بر طبق قانون اساسی جدید اصلاً ریس قوه مرجعی می‌باشد و در عین حال از صلاحیت تعیین روسای قوه قضاییه و قضات آن نیز برخوردار است.

1- شرایط ریس جمهور

ماه‌های شصت و دوم شرایط دیل را برای نامزد ریاست جمهوری بیان می‌کند:

1- بی‌خانمان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوهم و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشند.

2- در روز نامزد شدن، سن وی از چهل سال کمتر نباشد.

3- از طرف محکمہ به ارتكاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا محرومیت از حقوق مدنی محکوم نشده باشند.

7- شرایط جزایی ریس جمهور

صدر ماده ۲۹ که می‌گوید: ریس جمهور در برای مالت ولی جرگه مطابق به احکام این ماده مسؤول می‌باشد، ممکن است که مسؤولیت به طور مطلق بیان شده است و شامل مسؤولیت سیاسی هم می‌شود. حال آنکه با توجه به کدیقی «مسؤولیت این ماده» و با مراجعه به آدامه آن آشنایی می‌گردد که این ماده در دیوانه مسؤولیت جزایی است به همین سیاسی. پس قانون اساسی جدید مقرره‌ای راجع به مسؤولیت سیاسی ریس جمهور در بر ندارد.

مسؤولیت جزایی ریس جمهور در صورت اتهام به ارتكاب جرایم دیل پدید می‌آید:

1- اتهام به جرایم ضد بشری;

2- خیانت ملی;

3- جنایت.

مهم شدن ریس جمهور به یکی از سه جرم باد شده، به تشکیل محکم‌های خاص محکمک‌های ولی جرگه، در مرحله از این کرد که هرگاه یک دلیع اعضاً ولی جرگه یکی از اتهامات فوق را به ریس جمهور وارد بردن، قضیه‌ها را در مجلس طرح می‌کنند و در صورت تایید دو ثلث کل آرا ولی جرگه این جرگه در طول یک ماه لویه جرگه را دایر می‌نماید. هرگاه لویه جرگه اتهام مناسب را به اثبات دو ثلث آرا کل اعضاً
تصویب نمایندگان، رییس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. محکمه خاص متشکل است از رییس مشاور جرگه، سه نفر از اعضای ولیعصر جرگه و سه نفر از اعضای سلسله محکمه به تعیین لیوی جرگه. در این صورت فرد مستند اقامه دعاً علیه رییس جمهور از سوی لیوی جرگه تعیین می‌شود.

۷-۳ شرایط وزرا

۱- تالاری دارای تابعیت افغانستان باشد. ولی هرگاه فرد نامزد وزارت، تابعیت کشور دیگری را نیز دارد باشد، ولی جرگه صلاحیت‌های تابعیت و یا رد فرد مرتب برای وزارت را دارد.

۲- دارای تحصیلات عالی، تجربه کاری و شهرت نیک باشد;

اصطلاح تجربه کاری در این فقره کلی است، ولی به نظر می‌رسد که منظور تدوین کنندگان محترم قانون اساسی دارا بودن تجربه کاری در زمینه امور مربوط به وزارت مورد تصدی باشد؛ زیرا اصل اهلیت، شایستگی و تخصص محوری این امر را اقتضا می‌کند. بهتر بود که در متن قانون اساسی به این امر تصریح می‌شود.

۳- سن وی از سی و پنجم سال کمتر نباشد;

۴- از طرف محکمه به ارتباط جرایم ضد بشری، جنایت و یا محرومیت از حقوق مدنی محکوم نشده باشد (ماده هفتاد و دو).

۷-۴ مسئولیت سیاسی و جرایم وزرا

قانون اساسی جدید هر دو مسئولیت را برای وزرا به پیش بینی کرده است. در مورد مسئولیت سیاسی مقرر گردیده است که:

وزرا از وظایف مشخصه خود نزد رییس جمهور و ولیعصر جرگه مسئولیت دارند (ماده هفتم و هفته).

در بحث مربوط به نوع نظام از جنبه تفکیک قوا ذکر شد که فهرست به عنوان ضمانت اجرای مسئولیت سیاسی وزیر، می‌تواند وی را مورد استثمار و سوال قرار دهد. رییس جمهور هم در صورت اخراز بی کفایتی سیاسی وزیر، می‌تواند وی را عزل کند.

مسئولیت جرایم وزیر در ماده هفتاد و هشتم مقرر گردیده است. این ماده اشعار می‌دارد:

هرگاه وزیر به ارتباط جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم مهیم گردد، قضیه‌ای را علیه ماده یکصد و سی و چهارم این قانون اساسی به محکمه خاص محول می‌گردد. در ماده یکصد و سی و چهارم مقرر گردیده است که کشف و تحقیق جرایم وظیفه‌ای (در راستای وظیفه) منسوب به قوا مسلح، پلیس و موظفین ملی، توسط قانون خاص تنظیم می‌گردد.
تشريع حقوق اساسی، سال دوم، شماره سوم، زمستان 1383

بدين ترتيب مشاهده می‌شد که ماده هشتاد و هشتم تشريعات رسیدگی به جرایم و وزرا را مانند تشريعات رسیدگی به جرایم ناشی از وظیفه، نسبت به متسویین قوای مسلح، پلیس و مقامات امنیت ملی دانسته است.

8- قوه مقننه

قوه مقننه در افغانستان عبارت است از شورای ملی و این شورا متشکل است از دو مجلس ولسی چرگه و مشترکو چرگه (ماده هشتاد و یک). در قسمتی یکشش اشاره شد که مصوبات شورای ملی قانون نامیده می‌شود (ماده نود و چهار). گذشته از این دو مجلس، چرگه سومی به نام لوی چرگه وجود دارد که وظیفه آن به مجلس مسئولان در دیگر کشورها شباهت دارد.

در این قسمت ابتدا به طور کلی به مسایل مربوط به شورای ملی می‌پردازم که شامل ولسی چرگه و مشترکو چرگه می‌گردد. آن گاه مسئول اختصاصی هر یک از دو مجلس ولسی چرگه و مشترکو چرگه بیان می‌شود. در یکان اعضاء و وظایف لوی چرگه ذکر خواهد شد.

8-1 شورای ملی

در این قسمت پیش از پرداختن به مسایل و دیوانی اختصاصی هر یک از دو مجلس شورای ملی (ولسی چرگه و مشترکو چرگه) برعی مسایل مشترک دو مجلس شورای ملی به صورت گذرا بیان می‌شود.

2-8 شرایط اعضا

1- تبعه افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ نامزدی یا تعیین شدن، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشند;

2- از طرف محکمه به ارتكاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا جرائم از حقوق مدنی محروم شده باشند;

3- اعضای ولسی چرگه سین بیست و پنج سالگی را در روز نامزدی، لوی و اعضای مشترک چرگه سین سی و پنج سالگی را در روز نامزدی یا تعیین شدن تکمیل کرده باشنده (ماده هشتاد و پنج).

8-1-3 صلاحیت‌ها

شورای ملی دارای صلاحیتهای ذیل می‌باشد:

1- تصویب، تغییر (تفیید) یا لغو قوانین و یا فرامین نقیضی;
۲- تصویب برنامه های ۱۱ انتخاباتی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی (فنی).
۳- تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه;
۴- ایجاد واحدهای اداری، تعیین و با اطلاع آن;
۵- تصویب معاهدات و میانهای بین الملیلی یا فسخ احکام افغانستان به آن;
۶- سایر صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی (ماده نود).

منظور از سایر صلاحیت‌ها، صلاحیت‌های چون موارد ذکر شده در ماده ششم و چهارم که شورا و دیپلم جمهور مشترکاً بر عهده دارند یا مفاد ماده ششم و نهم می‌باشد.

۴-۱ مصونیت سیاسی نماینده‌گان

بر طبق اصل تفکیک قوا و استقلال قوی مقننه، نماینده‌گان بايد در هرگونه اظهار نظر سیاسی آزاد باشند تا بتوانند با کمال استقلال و بدون هیچ فشار سیاسی نظرات خود را راجع به کلیه مسائل سیاسی کشور ابراز دارند. به این اصل، اصل مصونیت سیاسی نماینده‌بندی مجلس، اطلاق می‌گردد.

قانون اساسی جدید افغانستان به این مساله توجه داشته است و در ماده یکصد و یکم مقرر می‌باشد:

هیچ عضو شورای ملی به علت رای یا نظرهایی که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می‌دارد، مورد تعقیب علیه قرار نمی‌گیرد.

۴-۱ مصونیت جزایی نماینده‌گان

برخلاف مصونیت سیاسی، در زمینه ارتكاب جرایم، برای نماینده‌گان مصونیت جزایی در نظر گرفته شده است. این امر منطقی به نظر می‌رسد، زیرا ارتكاب جرم خارج از وظایف نمایندگی است و از این نظر نیاز به تغییر مصالح و بقیه افراد ملت سازمانی و وجود داشته باشد. این به ابتدای معنای وظایف نمایندگی و پیشگیری از تعقیب‌هایی بی مورد و آمیخته با اغراض سیاسی، تشریفات مربوط به تعقیب نماینده‌بندی عملاً ماده تعبیه‌subtract یکی در مورد جرایم، تفاوت دارد. در این رابطه قانون اساسی جدید مقرر داشته است که هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متميز شود، مامور مسئول قبل از تعقیب موضوع را به مصلحی که متهم عضوین آن است اطلاع می‌دهد.

۱۱- پروکرامها
در مورد جرم مشهور، مامور مسئول می‌تواند آن را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن است، تحت تعقیب قرار دهد و گرفتار نماید. البته ایرادی که در فقره اخیر این ماده مشاهده می‌شود این است که بر طبق اصول حاکم بر محاکمات جزایی در تمام جرایم ارتكاب جرم ملازمت ای گرفتاری یا بازداشت و دستگیری ندارد، بلکه بدون گرفتاری هم می‌توان فردی را تحت تعقیب قرار داد. بعد از صدور حکم مبنی بر حبس و بازداشت از سوی محاکمه با صلاح و مستقل در یک محاکمه علنی و درخورد از ویژه گهی انصاف و بی‌طرفی و عدالت، می‌توان آزادی انسانی را سلب نمود، چه فرد مربی نماینده باشد و یا فرد عادی.

1-8 مصوبه شورای ملی
امروزه در حقوق اساسی یکی از اصول مهم به رسمیت شناخته شده برای حفظ استقلال مجالس قانون‌گذاری، اصل مصوبه پارلمان است و بر آن تاکید می‌شود. قانون اساسی جدید افغانستان هم به این اصل توجه دارد و تاکید می‌کند: هیچ شخصی نمی‌تواند علنی با مقر شورای ملی داخل سود (ماهی یکصد و پنج)

7-8 علنی کنند شورای ملی
یکی از اصول راجع به طرز کار پارلمان اصل علیه بودن جلسات آن است. مزیت اصل مزبور این است که مردم که نمایندگانی را برای تدوین قوانین شکر انتخاب کرده‌اند، دائمًا از نتایج کار آنها مطلع باشند و اقدامات آنها را زیر نظر بگیرند. علاوه بر این مزیت دیگر علیه بودن جلسات و پخش آن از رسانه‌های جمعی و مطبوعات، آگاهی مردم از قوانین است.

به همین خاطر ماهی یکصد و پنج در قانون اساسی جدید می‌گردید: جلسات شورای ملی علنی می‌باشد مگر این که رئیس مجلس یا حداقل ده نفر از اعضای شورای ملی سری بودن آن را درخواست نمایند و مجلس این درخواست را پذیرد.

8-1-8 روش تصویب قوانین در شورای ملی
پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت نخست به ولسی جرگه تقدیم می‌گردد. ولسی جرگه پیشنهاد طرح قانون را بعد از بحث، تصویب یا رد می‌کند.
پیشنهاد طرح قانون را... بعد از بحث، تصویب یا رد می‌کند.
ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشترکان جرگه می‌سپارد.

12-آشوری (دکتر محمد) آیین دادرسی کیفی، جلد دوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵.
مشارکت جرگه ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌کند. (ماده نوود و هفت)

پیشنهاد طرح قانون یا از طرف حکومت (فوه مجریه) صورت می‌گیرد و یا از طرف اعضای شورای ملی و در ساختمان محدوده تنظیم امر قضایی از طرف سره سپرکه باز از سوی حکومت ارائه می‌گردد (ماده نوود و پنج)

اما بر عکس، در مورد بودجه دولت و برنامه انتخابی حکومت، پیشنهاد طرح از سوی مشارکت جرگه به ولی‌جرگه تقدیم می‌گردد. تصمیم ولی‌جرگه بعد از توشیج رئیس جمهور ناافزار شمرده می‌شود (ماده نوود و هشت).

۸-۱۹ جلسات شورای ملی

هردو مجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه می‌کنند (ماده یکصد و چهار)

از آنجا که بر اساس آنچه در ماده نوود و هفت تصمیم شده است، پیشنهاد طرح قانون باشد ابتدا در ولی‌جرگه مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در نهایت تصویب گردد و پس به مشارکت جرگه فرستاده شود، پس به این ترتیب جلسات مشارکت جرگه با تابع غیر محدود مراحل فوق در ولی‌جرگه برگزار گردد؛ با این وضع تصویب یا برگزاری همیشگان (در وقت واحد) جلسات در مجلس به چه معنا خواهد بود؟ مگر این که صائب‌تر در وقت واحد به طور موضع تفسیر گردد.

گذشته از جلسات جدایانه هریک از مجلس، جلسات مشترک نیز برای آنها پیش بینی گردیده است و آن در دور مورد ذیل است:

۱- در موقعی که دوره تعقیبی یا اجلاسی علنی از طرف رئیس جمهور افتتاح گردد.

۲- در صورتی که رئیس جمهور تشکیل دهد.

رئیس ولی‌جرگه در جلسات مشترک شورای ملی ریاست می‌کنند (ماده یکصد و چهار)

۸-۱۰ روش حل اختلاف بین دور مجلس

هرگاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف هیات مختلط به تعادل مصایب از اعضای هر دو مجلس تشکیل می‌شود.

فصل هیات بعد از توشیج رئیس جمهور ناافزار شمرده می‌شود. در صورتی که هیات مختلط نتوانست اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه، رد شده محسوب می‌شود. در این حالت ولی جرگه می‌تواند در جلسه بعدی آن را با دو ثلث آرا کل اعضای تصویر گردید. این تصویب بدون ارائه به مشارکت جرگه بعد از توشیج رئیس جمهور ناافزار شمرده می‌شود (ماده صد).
از مجموع دو ماده صد و یکصد و چهارم نتیجه دیگری نیز قابل می‌گردد و آن برتر بودن
ولیس جرگه بر مشارکان جرگه است؛ به این صورت که در ماده صد بعد از ماده صد و یکصد و چهارم
مجلسین و عدم رفع آن با تشکیل هیات مختصات انتخابی نهایی تصویب قانون مورد اختلاف به
ولیس جرگه مجدداً شده است و همچنین در ماده دو و چهارم، ریاست جلسات مشترک دو
مجلس در اختیار رییس ولیس جرگه گذاشته شده است.

۱۰-۱-۱۸۵۲ ولیس جرگه (مجلس مردم)
الف: روش انتخاب و تعداد اعضای
اعضاء ولیس جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب
می‌گردد...
تعداد اعضای ولیس جرگه به تناسب نفوذ حوزه حداکثر دو صد و پنجاه نفر می‌باشد
(ماده هشتاد و سوم).
ب: صلاحیت‌های اختصاصی
ولیس جرگه دارای صلاحیت‌های اختصاصی ذیل می‌باشد:
۱- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح هر یک از وزرا مطابق به حکم ماده نود و دوم این
قانون اساسی.
۲- اتخاذ تصمیم راجع به برنامه‌های اقتصادی و بودجه دولتی;
۳- تایید یا رد مقررات ها (پرداخت‌ها) مطابق به احکام این قانون اساسی (ماده نود و
یک)

۱۱-۱۸۵۲ مجلس مردم
بر خلاف ولیس جرگه که تمامی اعضای آن انتخابی است، دو تا پنجمین جرگه انتخابی
و یک دوم آن به تعیین رییس جمهور است.

دو تا پنجمین جرگه عبارتند از:
۱- از جمله اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مرکزی برای مدت
چهار سال;
۲- از جمله اعضای شوراهای ولسوالی‌های هر ولایت، یک نفر به انتخاب شوراهای
مرکزی برای مدت سه سال.
و یک نفر از اعضای از سوی رئیس جمهور عبارت است از:

۳- از جمله شخصیت‌های خیر و با تجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و مبعوثین و دو نفر از کوچک‌ها (عشایر) برای مدت پنج سال.

برای رعایت نصاب حضور زنان در مجالس شورای ملی، رئیس جمهور تعداد پنجاه دو رصد از این اشخاص را از بین زنان تعیین می‌نماید (ماده هشتاد و چهار).

لازم به تذکر است که در قانون اساسی مورد بحث، برای مردان حرفه ملی صلاحیت اختصاصی پیش بینی نشده است.

۲-۸ لویه جرگه (مجلس موسامان)

لویه جرگه را نیز می‌توان در زمره قوه مقننه به شمار آورد، زیرا اعضای شورای ملی که وظیفه قانوننگاری را به عهده دارند، نیز عضو این حرجانند و علاوه بر این، دو وظیفه از سه وظیفهای که به دوش لویه جرگه گذاشته شده است، جنبه قانوننگاری دارد.

۲-۸-۱ اعضای لویه جرگه

اعضای این لویه جرگه عبارتند از:

۱- اعضای شورای ملی

۲- روسای شوراهای ولایات و ولسوالی‌ها (ماده یکصد و ده)

۲-۸-۲ صلاحیت‌های لویه جرگه

لویه جرگه دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱- اتخاذ تصمیم در مورد مسائل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیاً کشور;

۲- تغییر (تهبیه) احکام قانون اساسی

۳- محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم متدرج ماده شصت و نهم قانون اساسی (ماده یکصد و پانزده).

۹- قوه قضاوتی

سومین قوه از قواه سه گانه در هر کشور قوه قضاوتی است. این قوه مسئول اجرای قوانین در حیطه مسائل قضاوتی و حل و فصل دعاوی و اختلافات حقوقی، جزایی و تجاری افراد است. یکی از مهم‌ترین وظایف این قوه اجرای عدالت است. اجرای عدالت آن‌گاه تامین
مشهده حقوق اساسی، سال دوم، شماره سوم، زمستان 1383

می‌گردد که در کشور دستگاه قضایی مستقل و کار آمد وجود داشته باشد و دعاوی را به صورت منصفانه و با کمال به طرفی حل و فصل نماید.

امروزه یکی از مباحث مهم حقوق بشر، رعایت معيارهای دادرسی منصفانه‌ی (NGO) کشورهای تاریک‌سازمانی منصفانه است. بر اثر تلاش‌های میزان، دیگر صنایعی که هر محکمه ای با این‌که از آنها بخوردار باشند - در اسناد میزان مصرفی مورد بحث و انتقاد نماید. نمایندگان جزایی گرفته‌اند، از سوی دیگر در مواقعی که جرم یا ارتباط با آن تهیه‌بندی گفته‌ند، بره‌دهی‌گران، آن، توقع مجازات درک و جریان خشونت خروش را دارند؛ در این میزان محکمه صالح، به طرف و مستقل است که می‌تواند میزان آنها به حق داوری کند و عدالت را اجرا نماید.

امیدواریم که قوه قضاییه بیشترین شده در قانون اساسی جدید افغانستان، در آینده از اطلاعات فوق بخوردار باشد.

در این قسمت به بررسی نحوه عملکرد و محاکم متصل به قوه قضاییه می‌پردازیم:

1-9 اصول حاکم بر روش محاکم
قانون اساسی جدید مقرر می‌دارد که محاکم در عملکرد خروش با این‌که اصول ذیل تبعیت کندند:

1- اصل استقلال (مواد 116 و 122)
2- اصل علی‌پیوند محاکم (مواد 228)
3- اصل مستند بودن محاکم (مواد 129)
4- اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (مواد 130)

۹-2 محاکم قوه قضاییه
محاکم در قوه قضاییه افغانستان به ترتیب، از عالی به تالی، عبارتند از:
الف- محاکم استانی (دیوان عالی)
ب- محاکم استانی (دیوان استانی)
چ- محاکم ابتدایی

---

13. Trial fair
شرايط اعضا و صلاحیت سته محکمه در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد (ماده یکصد و شانزده).
الف ۱-اعضا و مدت خدمت آنها
سته محکمه مرکب است از هن عضو که از طرف رییس جمهور با تایید ولی جرخ به ترتیب ذیل تعین می گردد:
- سه نفر به مدت چهار سال
- سه نفر به مدت هفت سال
- و سه نفر به مدت ده سال
تعیین همین اعضای برای دور جایز نیست (ماده یکصد و هفده).
الف ۲-شرايط اعضا
عضو سته محکمه واجد شرايط ذیل می باشد:
۱- سن رییس و اعضا در هن تعین از چهل سال کمتر نباشد.
۲- تبعه افغانستان باشد.
۳- در علوم حقوقی و یا فقهی تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشد.
۴- دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد.
۵- از طرف محکمه به ارتباط جرایم ضد بشری، جنايت و یا محرومیت از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.
۶- در حال تصدی وظیفه، در هیچ حزب سیاسي عضوی نداشته باشد. (ماده یکصد و هجده).
لازم به ذکر است، از آنجا که اعضاي سته محکمه هم در بعد حقوقی و هم در بعد فقهی اظهار نظرها و تفسیرهایی را ارائه مي كنند، به نظر مي رسد كه صرف تحصیلات حقوقی یا فقهی برای اين امر خطر كافي نباشد. بهتر بود كه در اين ماده گنجانده مي شد كه عضو سته محکمه باید هم تحصیلات عالی حقوقی داشته باشد و هم فقهی.
الف) ۳- مستندات جزایی اعضا
قانون اساسی جدید مستندات جزایی را برای اعتراضات سرخر محاکمه و همچنین رییس آن بخش پیشین کرده است. افراد یاد شده در قبال دو نوع اتهام قابل محاکمه خواهند بود. یکی اتهام به جرم ناشی از وظیفه، به این معنا که هر گاه در راستای انجام وظایف خوشی مرکب جریمه شده باشند و دیگری در قبال اتهام به ارتكاب جنایت.
تشریفات محاکمه بدين صورت خواهد بود. هرگاه بخش از یکی یکی علمی موضوع وسیع جریمه محاکمه رییس یا عضو سرخر محاکمه را بر اساس یکی از دو نوع اتهام یاد شده تحقیقاً نمایند و ولسی جریمه این تحقیقاً را با اکثریت دو ثلث کل عضواً تصویب کنند، ممکن است وظیفه عزل و تشکیل محاکمه و طرز عمل محاکمه توسط قانون تنظیم می‌گردد (ماده یکصد و بیست و هفتم)
شایان ذکر است که قانون اساسی مورد بحث، مستندات جزایی را برای قضات نیز بخش پیشین نموده است، اما در این مستندات را به مانند مستندات جزایی اعتراضات سرخر محاکمه، نه در قبال خطرات جنایی بعلت جنایات مذکرته است، نه در قبال چارای متوسط و خفیف (جنحه و خلاف). جالب توجه است که در این ماده (ماده یکصد و سی و سه) درباره مستندات قضایی در قبال چارای ناشی از وظیفه اشاره ای نشده است. حال آنکه معمولاً قضات نیز در راستای انجام وظایف خوشی ممکن است مرکب تخلفاتی گرددند. لذا مناسب بود که در قانون اساسی به این جنبه از مستندات قضات نیز اشاره می‌شود.
الف) ۴- صلاحیت سرخر محاکمه
در این باره ماده یکصد و بیست و یکم مقرر می‌دارد:
بررسی مطالب قوانین، فراین تنظیم، معاهدات بین الدول و میانهای بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها برای تصمیم‌گیری حکومت با محاکمه، مطابق به احکام قانون از صلاحیت سرخر محاکمه می‌باشد.
دیگر وظایف وصلاحیت‌های سرخر محاکمه عبارتند از:
1- نقض (انصباب)، انفکش، (عزل)، تزییف (ائزبا)، تفریغ و مجازات قضات (ماده یکصد و بیست و چهار و یکصد و سی و سه)
2- ترتیب بودجه قوه قضاییه و اجرای آن (ماده یکصد و بیست و پنجم)
3- تاسیس آموزش (ربیست) عمومی و اداری قوه قضاییه (ماده یکصد و دو و سی و دو)
20- خارنواکی (دادرسا)

بدون ترتیب همواره در جوامع افرادی وجود دارند که به قانون شکنی می‌پردازند و
پیمان جمعی را نقض می‌کند. به عبارت دیگر جرم پیش بینیه به‌نور اجتماعی است که در
هر اجتماعی وجود دارد. 

آگاهی که در جامعه ای جرم روی می‌دهد، جامعه در پر آر این وانتش نشان می‌دهد.
بتارابین باید در جامعه دستگاه هایی وجود داشته باشد که به امر مکابله با جرم بپردازد
یکی از این ارگانها قوه قضاوتی است که مجرد را محاکمه می‌کند و درباره او حکم
عادلان و مناسب با عمل وی باید صادر کند.

ارگان دیگر دادستانی، یا به اصطلاح پشت که در قانون اساسی افغانستان از آن یاد
شده است، خارنواکی است که مقام تعیین جرم و وظیفه تحقیق در پاره آن‌ها دارد. به همان
اندازه که نقش محاکمه در اجرای عدالت و انصاف مهم است، نقش خارنواکی نیز در
کشف حقایق و تشخیص بی‌زیرک از ناکرده‌ها به مهم و مؤثر است. زیرا این خارنواکی است
که دنباله‌ی قانونی می‌نماید. به‌طور معمول، تحقیق درباره جرم است. این وظیفه را به خوبی انجام ندهد
ممکن است محاکمه را به‌پردازه رهمنون سازد و افراد بر این نگاه را مجرد را مجمور قلیم‌داد کند. 
برعکس مجرم‌ها از زبانی عدالت خارج می‌شوند.

قانون اساسی جدید در ماده یکصد و سی و چهارم به خارنواکی پرداخته است و
می‌گوید کشف جرایم توسعه بی‌پیشینه و تحقیق جرایم و افراد دعوا و دعوت محکم،
از طرف خارنواکی مطابق احكام قانون صورت می‌گیرد.

نکته ثابت که در این ماده وجود دارد آن است که قانون‌گذار افغانستان درباره انجام
وظایف از سوی مقامات خارنواکی نیز برای صلاح قانونی بودن تأکید کرده است. به‌این معنا
که خارنواکی نیز باید وظیفه خود را در تحقیق جرایم و افیام دعوا و دعوا مجرد نپردازد.

15- جمه توضیح بیشتر به ماده ذیل مراجعه شود:
نجمی ابراهیم آبادی (دکتر علی حسین) و هاشم بیگی (حمیه) دانشگاه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید
بهشتی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱
وعلی (جرج) جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳ و ۱۷۴ و منتشر (فریده)،
انحرافات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۱، ص ۵۱-۵۲.
قانون انجام دهد و از اعمال خودسرانه‌ی یا براساس حب و غضبهای شخصی، اغراض سیاسی، قومی، زبانی، و غیره خودداری کند. مقام تعقیب یا خاراویلی در برخی کشورها مانند فرانسه، به‌خصوص از قوّه مجریه است و در برخی کشورها قسمتی از قوّه قضاییه است. مانند ایران (بند 4 اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). اما از دیدگاه حقوقی‌دانان، بهتر این است که خاراویلی مستقل از قوّه قضاییه و به‌خصوص از قوّه مجریه باشد، چون طبیعت دوگانه کار این دو اقتضا می‌کند که باید چدای از هم باشدند. زیرا خاراویلی به‌نهاوید ایراد اتهام و مطرح کنند که ادعای جرم است که چه با ضریب اعمال، اجرا یا عدلیت است. لذا فاضل باید با قطع نظر از دلایل موفقیت، نسبت به م مجریه به‌نهاود یا به‌نهاود من‌هم خالی النظر و به طرف باشد.

خویشکتیه قانون اساسی افغانستان خاراویلی را مستقل از قوّه قضاییه قرار داده و این اصل حقوق را رعایت نموده است. در این راستا ماهک می‌کند و می‌گوید:

خاراویلی جزو قوّه اجرایی و در اجرای داده مستقل می‌باشد.

11- تعديل (تغییر)

مسالم قوانین از نظر زمانی و مکانی محدود می‌باشد. به این معنا که قوانین برای مکان خاصی وضع می‌شوند. همچنین از نظر زمانی نیز بر نویجه به مقتضیات زمان بعد از مدتی نیاز به تغییر قوانین و روز‌آمده همان انساس می‌شود. قوانین اساسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. هر چند با توجه به آنکه قانون اساسی مهم ترین ارزش‌های یک جامعه را به‌ویژه کنش از ارزش و اعتبار بلندی‌نتی خرودار است، تغییر، بازنگری و اصلاح برای همین قانون نیز در نظر گرفته می‌شود. اما از آنجا که برخی از فرهنگ‌ها از دیدگاه قانون‌گذاران بسیار مهم است، بر عدم تغییر آنها در قانون اساسی تاکید می‌شود.

16- مجموعه قوانین اساسی - مدل تدوین غلامرضا حاجی‌اشرفی - انتشارات گنج‌دانش، تهران، 1372، ص 22

17- مجلی (دکتر فریدون)، آیا دادستان باید نمای قوّه قضاییه باشد؟، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 155، 1367، ص 42
تغييريا تعديل دير قانون اساسي أفغانستان پيچ بيني شده است؛ همچنين بر عدم تعديل برسخيا از ارزشها و اصول تصريح شده است و آنها عبارتند از:
الف- اصل پيروي از احكام دين مجرد اسلام و نظام جمهوري اسلامي
ب- حقوق اساسي اتباع تعديل نمي شود مگر به منظور بهبود حقوق آنان، كه اين امر جايز مي باشد.
اما تعديل ديرگ محتويات اين قانون اساسي، نظر به تجارب و مقتضيات عصر، با رعایت احكام مندرج در مواد شامت و هفتم و يکصد و چهل و ششم اين قانون اساسي، با پيشه واد خاص اعضاي شوراي ملی صورت مي گیرد (ماده يکصد و چهل و نه). منظور از رعایت مواد شامت و هفتم و يکصد و چهل و ششم اين است كه هر دو ناظر به موارد اضطراري است، اولی ناظر به مواردي است كه به دلایلي كه در قانون اساسي (ماده شامت و هفتم) تصريح شده است، اگر معاون اول رئيسي جمهور، صلاحيتها و وظایف رئيسي جمهور را به عهد يگيرده، در اين حالت يکي از اقداماتي را كه وي نيمي تواميد انجام دهد، تعديل قانون اساسي است. در ماده يکصد و چهل و ششم هم تاکيد شده است كه در حالت اضطرار قانون اساسي تعديل نمي شود. مسئول تصوير طرح نهایي تعديل هم لبيه جرگه با اكترتي دو وريث كل اعضاي آن ابتله بعد از تويمين رئيسي جمهور مي باشد (ماده يکصد و پنجاه).

12- ممنوعيت انجام برخي اعمال خاص برای مقامات دولتي مقامات دولتي از آنجا كه به عنوان حاکمان بر مردم در موقعیت پرتر قرار دارند و از اختیارات كاسترده ای برخوردار مي شوند، بيني مي رود كه گاهي از اين اختیارات سوء استفاده كند. همچنين از آنجا كه قدرت هموزه در معرض قرار دارد به جا است كه اهمالي كردند و نظرات در قانون اساسي پيچ بيني شود تا از سوئي مقامات دولتي سوء استفاده ای صورت نگيرد. يکي از اين نظارتها جهت پيشگيري از وقوع اين گونه تخلفات، ممنوع اعلام كردن ارتكاب برخی اعمال از سوئي مقامات دولتي است. بندي محدود قانون اساسي جديد ارتكاب اعمال خان را ازسوي مقامات حكومتی خاصي ممنوع اعلام كرده است:
الف- رئيسي جمهور نمي توانند بدون حكم قانون ملکيييه (اموال) دولتي را بفرض يا بهد.
ب) رییس جمهور و وزرا نمی توانند در زمان نصیب وظیفه از مقام خود به ملی‌جویی‌ها (گرایش‌های) نسائی، سنتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده کنند (مواد شصت و ششم و هشتاد).

ج) ممنع انجام معامله انتفاعی با دولت مقاماتی که از یک عمل ممنع شده اند عبارتند از: رییس جمهور، معاونین رییس جمهور، وزرا، رییس و اعضای سرپرست محکمه، لیوار خارنوال (دستمان کلی)، رئیس انجمن بانک مركزي و امنیت ملی، و علی‌اوان (استاندارها) و شاراوی‌ها (فرماندارها) (ماده یکصد و پنجم و یک)

د) عدم جواز استغال به مشاغل دیگر در زمان تصمیم وظیفه مقاماتی که از عمل فوق ممنع شده اند عبارتند از: رییس جمهور، معاونین رییس جمهور، وزرا، رئیس و اعضای شورای ملی و سرپرست محکمه، لیوار خارنوال و قضات (ماده یکصد و پنجم و دو).

نکته لازم به ذکر دریایه این موضوعات آن است که این ممنوعیت به طور مطلق صحیح نیست. زیرا چه چنین ممکن است فردی دارای تخصص و دانش مورد نیازی باشد که هم‌زمان که مقام دولتی را به عهد دارد دانشگاه‌ها و مراکز تحصیلاتی نیز به عونان استاد و محقق و یا نیاز داشته باشند و محدود کردن چنین فردی به کاربرای اجرایی نوعی لطمه به پیشرفت و توسعه کشور است. شاید به همین دلیل بوده است که در قوانین اساسی برخی کشورها این استناد بازیافت شده است.

به عونان نمونه اصل یکی می‌کند و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران و کارمندان دولتی نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند.

در حال حاضر اصل تصریح گردیده است: سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

5) ممنع عضویت در احزاب سیاسی مقاماتی که از این امر ممنوع شده اند عبارتند از: قضات، خارنوالان، صاحب منصبان قوا مسلح و پلیس و منسوی امنیت ملی.

13- کمیسیون نظام بر قانون اساسی

یکی از مسائل مهم در مورد حفاظت و صیانت از ارزش‌های قانون اساسی و جلگیری از نقض آن پیش بینی نهاد حافظ قانون اساسی است. امورزده در کشورها به دو شیوه از قانون
اساسی پاسداری می شود؛ در برخی کشورها با تاسیس نهادی به نام شورای قانون اساسی و در برخی دیگر از طریق نهاد دادگاه، یا محکمه قانون اساسی به این امر می پردازند. در قانون اساسی جدید افغانستان نه از راه اول تبعیت شده و نه از شیوه دوم، بلکه یک نهاد نظارتی به نام «کمیسیون مستقل نظارت بر تطیق قانون اساسی» بیش بینی شده است که اعضای آن از طرف رئیس جمهور به تایید ولی‌گر چرخه تعیین می‌گرند (ماده یکصد و پنجاه و هفت). قانون‌گذاران قانون اساسی در ماده فوق و عده داده اند که این کمیسیون مطابق با احکام قانون تشکیل می‌گردد. آنچه بیش از خود این کمیسیون مورد انتظار ملت است، ضمانت اجرای داشتن تصمیمات آن و اقتدار آن در مقابل با نافضان قانون اساسی و توان محکمه قانون سنتی است.
امید که درآینده قانون مربوط به تشکیل این کمیسیون درآی ویزیگ فوک باشد.
نمودار نظام حقوقی در افغانستان جدید

قوه مجریه (حكومة)
رئیس جمهور
وزرا
قوه مقننه
لویه جرگه
مشترشو جرگه
ولسی جرگه
خان نوئل
(مدعی العام)
محامی ابتداهی
محاکم اسنیاف
قوه قضائیه
ستره محکمه
ملك
کمیسیون نظارت بر تطبيق قانون اساسی

ذکر: فلشها علامت نظارت یک ارگان بر عملکرد ارگان دیگر است.